



# پیروزی نهایی ملت ایران تجلی وفاداری خداوند به وعده‌های خود

امیر جلالی

سیاسی مستقل در منطقه، همه گواهی بر این وفای متقابل‌اند.
فرضای کنونی که مردم از برخی ناکارآمدی‌ها گلابه‌مندند و فشارهای خارجی نیز شدت یافته است، نباید امید به تحقق وعده الهی را از دست داد. راه درست، نه عقب‌نشینی از اصول، بلکه بازگشت صادقانه به عهد نخستین با خداوند است. اگر ملت، مسئولان، نخبگان و جوانان ایران بیش از پیش به عدالت‌خواهی، اصلاح امور و تقویت معنویت و همبستگی همت کنند، تحقق پیروزی نهائی نه‌فقط ممکن، بلکه تضمین‌شده به وفای الهی است.
بی‌تردید، همان‌گونه که خداوند فرمود: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؟»

نهائی شامل حالشان خواهد شد. از این منظر، پیروزی نهائی مردم ایران یک اصل قرآنی و سنت قطعی الهی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ و هیچ‌گاه در تحقق وعده‌اش تخلف نمی‌کند.
وفای الهی، پشتوانه راه ملت: در روزگاری که برخی عناصر پشیمان نسبت به آینده کشور و مسیر مبارزات مردم دچار تردید یا خستگی شده‌اند، یادآوری این اصل ایمانی حیاتی است: خداوند به عهد خود وفادارتر از هر شخص دیگر است، اگر ملت بر عهد خود با خدا بایستد، خداوند نیز وفای به عهد خود کرد. پیروزی‌های گذشته ملت ایران، از پیروزی انقلاب اسلامی گرفته تا دفاع مقدس، از شکست فتنه‌ها تا تداوم حیات

این آیه، نه صرفاً بیانی معنوی، بلکه اعلام یک قاعده قطعی در سنت‌های تاریخی الهی است. خداوند وعده داده که اهل ایمان را یاری خواهد کرد و مظلومان را وارث زمین خواهد ساخت. این وعده‌ها در قرآن، صریح و مکرر آمده‌اند؛ از جمله: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» (قصص: ۵)
«إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)

ملت ایران؛ مخاطب عهد الهی: اگر مردم، در سخت‌ترین شرایط، همچنان بر اصول الهی نظیر عدالت، حق‌طلبی، آزادی خواهی، کرامت انسانی، و مبارزه با فساد و ظلم پای بشارند، بی‌تردید در دایره «عباد صالح» قرار می‌گیرند و وعده پیروزی

در تاریخ ملت‌ها، کمتر سرزمینی را می‌توان یافت که آزمون‌های سخت و همزمانی چون جنگ، تحریم، فشارهای خارجی و بحران‌های داخلی را چنین برصلاطت پشت سر گذاشته باشد. ملت ایران، با تکیه بر ایمان، عدالت‌خواهی و مقاومت فرهنگی، بارها از بحران‌هایی عبور کرده که پیش‌بینی ناظران خارجی، چیزی جز شکست یا تسلیم نبود. با این حال، هر بار، قدرتی فراتر از معادلات سیاسی و مادی، به یاری این مردم آمده است؛ و آن، وفای خداوند به وعده‌های خویش است.
آیه یکصدو یازده از سوره توبه، با این عبارت رسا آغاز می‌شود: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ»
یعنی: «و چه کسی به عهد خود وفادارتر از خداوند است؟»



نشانه‌ای از ناهماهنگی میان حلقه تصمیم‌سازان امنیتی دولت آمریکا تعبیر کردند.
دولت ترامپ حتی پس از به شهادت رساندن سردار سلیمانی، پیامی از طریق دولت سونیس به ایران ارسال کرد تا تنش کنترل شود، یعنی هم ترور می‌کرد و هم پیام صلح می‌فرستاد. همین رفتارهای دوگانه، نشان از راهبردی داشت که بیش از هر چیز، به‌جای عقلانیت، تابع موج‌سازی‌های رسانه‌ای بود.

**خروج از برجام و رؤیای توافق بهتر بازی با کارت‌های سوخته**

یکی از اقدامات پُرسروصدای ترامپ، خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ بود. او این توافق را «بدترین توافق تاریخ» خواند و وعده داد با «فشار حداکثری»، ایران را به پای میز مذاکره بازمی‌گرداند تا «توافقی بهتر» حاصل شود.

**فشار حداکثری و ادعای حمایت از مردم**

**دوگانگی آشکار**

ترامپ سیاست «فشار حداکثری» را پرچم سیاست خارجی خود در برابر ایران قرار داد. تحریم‌های نفتی، مالی، بانکی و حتی تحریم‌های دارویی و غذایی، شدیدترین فشارهای اقتصادی محافل آمریکایی نتوانست به هدف برسد و ناکام ماند.

اسا در همین فضا، او بارها مدعی شد که

بازسازی نهادها و بازگرداندن اعتماد عمومی پس از بحران و بر مؤلفه‌های بنیادینی چون بازسازی مشروعیت سیاسی (اعتماد مردم به حاکمیت)، بازسازی اقتصادی و زیرساختی و تقویت هویت ملی و روایت مشترک از بحران تأکید دارد.
نظریه تاب‌آوری ملی (Resilience Theory) که بر توانایی کشور برای جذب شوک، بازیابی و رشد دوباره متتمرکز است و شامل چند مرحله کلیدی همچون جذب شوک و جلوگیری از فروپاشی کامل، بازیابی و بازسازی ظرفیت‌های حیاتی و یادگیری و اصلاح ساختاری برای

**درس‌های جنگ ۱۲ روزه**

برای ترسیم نقشه راه پیشرفت کشور

پیشرفت پایدار می‌باشد. مانند کره‌جنوبی پس از جنگ کره که با تمرکز بر آموزش، فناوری و انسجام اجتماعی از بحران شدید عبور کرد.

۳. نظریه فرصت بحران (Crisis as Opportunity) که ریشه در نظریه‌های تغییر اجتماعی و توسعه اقتصادی (به‌ویژه اندیشه‌های جوزف شومپتر در اقتصاد و چارلز تیلی در جامعه‌شناسی سیاسی) دارد. ایده اصلی این نظریه بر این نکته استوار است که بحران‌ها می‌توانند کاتالیزور اصلاحات بزرگ شوند؛ زیرا موانع ذهنی و نهادی فرو می‌ریزند.

۴. نظریه بازسازی خلاق (Creative Reconstruction) که توسعه‌یافته از مفهوم «تخریب خلاق» شومپتر است و معتقد است بحران، ساختارهای ناکارآمد گذشته را حذف می‌کند و فرصت ایجاد ساختارهای نو و کارآمد فراهم می‌آورد. مثل فلاندرز پس از فروپاشی شوروی که از وابستگی به شوروی به اقتصاد دانش‌بنیان جهت‌گیری داد یا آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم.

نقطه مشترک نظریه‌ها یا الگوهای بالا تمرکز بر چند اصل مشترک است:

۱. نظریه بازسازی برای بازنگری در ساختارهاست.
۲. امید و اعتماد اجتماعی، ارزوی اصلی بازسازی

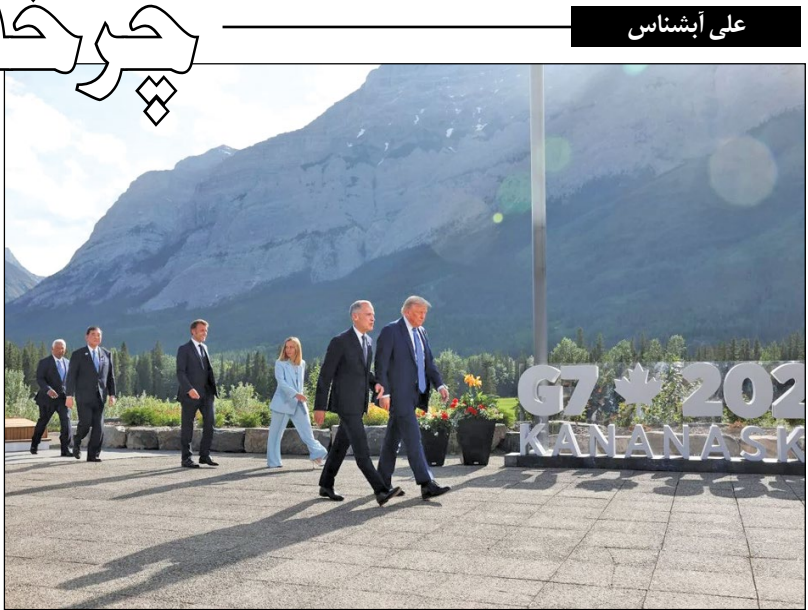
سیاسی

Siyasi @kayhan.ir

محمدرضا اخضریان کاشانی

دولت ترامپ در مواجهه بسا ایران، نه‌تنها استراتژی منسجمی نداشت، بلکه در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری- از گفتار تا عمل، از دیپلماسی تا تحریم، از تهدید تا عقب‌نشینی- گرفتار تناقض بود. این تناقض‌ها تنها به ضعف تصمیم‌گیری خلاصه نمی‌شدد، بلکه ریشه در ناآگاهی از پیچیدگی‌های ایران، منطقه و نظام بین‌الملل داشت. لازم به ذکر است؛ آنچه از این‌دوران

دولت ترامپ در مواجهه بسا ایران، نه‌تنها استراتژی منسجمی نداشت، بلکه در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری- از گفتار تا عمل، از دیپلماسی تا تحریم، از تهدید تا عقب‌نشینی- گرفتار تناقض بود. این تناقض‌ها تنها به ضعف تصمیم‌گیری خلاصه نمی‌شدد، بلکه ریشه در ناآگاهی از پیچیدگی‌های ایران، منطقه و نظام بین‌الملل داشت.



باقی‌ماند، مجموعه‌ای از سیاست‌های ناتمام، وعده‌های عملی‌نشده و فرصت‌های از دست‌رفته بود؛ وضعیتی که دولت‌های بعدی آمریکا، از جمله بایدن، تلاش کردند با بازگشت به چندهزارساله و فهم عمیق وطن‌پرستی و گفت‌وگو و احیای تدریجی اعتماد، تا حدی از آن فاصله بگیرند.

با آغاز دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست فشار حداکثری علیه ایران مجدداً شدت گرفت. در حالی که مذاکرات غیرمستقیم با میانجی‌گری عمان در جریان بود و امیدهایی برای توافق ایجاد شده بود، واشنگتن با چراغ سبز به حملات اسرائیل، مسیر گفت‌وگو

و مقاومت و ایستادگی در برابر متجاوز به مرزبوم ایران اسلامی، مردم را بیش از پیش متحد و یکپارچه کرد. ایمانی که به اذعان کارشناسان خارجی و داخلی، از تمدن چندهزارساله و فهم عمیق وطن‌پرستی و دینداری ایرانیان نشأت می‌گیرد.

در ادامه، آمریکا با هدف تنفس مصنوعی به رژیم صهیونیستی در زمانی که مراکز مهم و حساس اسرائیل مورد اصابت‌های بی‌دربی موشک‌های ایرانی قرار می‌گرفت و هیمنه پوشالی این رژیم کودک‌کش نامشروع و ارباب و حامیان غربی‌اش را در هم می‌شکست،

برای امروز ایران باشد. این مدل بر چند مؤلفه اساسی استوار است که نیاز امروز جامعه‌ماست:

۱. تاب‌آوری ملی (National Resilience)

۲. انسجام ملی: تقویت هویت مشترک، روایت واحد و بحران، و مقابله با شکاف‌های قومی- اجتماعی

۳. امنیت حیاتی: حفظ امنیت سرزمینی، غذایی، انرژی و سایبری

۴. مدیریت بحران و زیرساخت‌های حیاتی: سیستم‌های واکنش سریع، پشتیبانی لجستیک و شبکه‌های امدادی

۵. دیپلماسی فعال در بحران: کاهش فشار خارجی و ایجاد حاشیه امن بین‌المللی

۶. بازسازی امید اجتماعی (Social Hope)

۷. چشم‌انداز روشن و الهام‌بخش

۸. روایت‌سازی مثبت از بحران

۹. مشارکت مردم در بازسازی

۱۰. تقویت سرمایه اجتماعی

۱۱. دیپلماسی امید

۱۲. بازسازی نهادی و اقتصادی (Institutional & Economic Reconstruction)

۱۳. اصلاح نهادی

با بمب‌افکن‌های بی-۲. تأسیسات هسته‌ای کشور را به بهانه جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتم مورد حمله قرار داد.

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

ترامپ در دور دوم خود برخلاف ادعاهای قبلی، به سیاست جنگ‌افروزی در منطقه

ایران نیز با حملاتی حساب‌شده به پایگاه آمریکایی القذیف در قطر پاسخی قاطع داد که بعد از یک‌ماه میزان تأثیر و دقت شگفت‌آور این حملات و خسارت واقعی آن رسانه‌ای شد. حمله به ایران در میانه مذاکرات، نشانه‌ای از فریبکاری و فقدان صداقت آمریکا بود.

غرب آسیا و بازی کردن در نقش پلیس خوب و صلح‌طلب بازگشت. حمایت آشکار او از جنگ ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران و کشته‌شدن شمار زیادی از غیرنظامیان، نه‌تنها فضای مذاکره را از بین برد، بلکه افکار عمومی داخل آمریکا و نهادهای مطالعاتی را نیز به انتقاد از رویکرد کاخ‌سفید واداشت.

از رویکرد تحلیلگران، آتش تنش منطقه‌ای را شعله‌ورتر کرد. اندیشکده‌هایی مانند Atlantic Council هشدار دادند که این درگیری می‌تواند سراغاز دور تازه‌ای از بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا باشد. در داخل آمریکا نیز بسیاری از حامیان ضدجنگ ترامپ، از رویکرد نظامی وی انتقاد کردند و آن را تناقضی آشکار یا شعار «پایان جنگ‌های ابدی» دانستند.

پس از حملات، راهپیمایی‌های گسترده‌ای در شهرهای ایران برگزار شد. پلاکاردها و دست‌نوشته‌هایی چون «آمریکا = تروریسم دولتی»، «مذاکره با قاتلان بی‌فایده است» و «فردو و تلزن قلب غیرت ماست» فضای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. در فضای مجازی نیز هشتگ‌هایی مانند #NoToTrump و #فردوزنده-است در ترندهای فارسی و بین‌المللی داغ شد.

**حمایت قاطع و یکپارچه ایرانیان از تأکید رهبری بر ایستادگی و پیشرفت**

فصل الخطاب را پیر و فرزانه مردم ایران و همه

عنوان مهم‌ترین محور گفت‌وگوی ملی برای آینده بهره گرفت و امید و پیشرفت را به یکایک جامعه تریق نمود. امر ملی «روح و آرمان ملی» و چشم‌انداز پیشرفت، «پیکر کلیدی در سندن چشم‌انداز با منافع و هویت ملی ارتباط مستقیم و معنادار برقرار می‌کند.

با این نگاه، طراحی چشم‌انداز ایران آینده نه‌تنها ضرورتی سیاسی و راهبردی، بلکه اقدامی حیاتی برای حفظ انسجام ملی، بازتولید مشروعیت نظام، و بازسازی امید اجتماعی.

در چنین شرایطی چشم‌انداز آینده ایران با تمرکز بر «احیای معنا» و «تمدن‌سازی» باید بر سه محور اصلی استوار باشد:

۱. ترمیم و بازسازی ملی با تکیه بر الگوهای تاب‌آوری اجتماعی و توسعه پایدار، به‌منابه پیش‌شرط احیای نظام سیاسی- اقتصادی.

۲. بازتغیث نقش ایران در معماری امنیتی منطقه و نظم جدید منطقه‌ای و بین‌المللی که نیازمند رویکردی آینده‌نگر و انتالف‌ساز است.

۳. ایجاد فرصت تمدنی و ساخت تمدنی جدید بر پایه هویت اسلامی- ایرانی بر مبنای عدالت، عقلانیت و معنویت.

۴. چشم‌انداز توسعه ایران در افق ۱۴۰۴ مهم‌ترین، محوری‌ترین و کلان‌ترین راهبرد نظام برای تحقق آرمان‌های خود است که در زمان طرح و نگارش، انگیزه‌بخش، غرورآفرین و قابل دستیابی تلقی می‌شد و نشانگر عزم نظام برای ایجاد یک تمدن باشکوه ایرانی اسلامی بود.

با گذشت بیست سال از نگارش این سند و با وجود دست‌یابی کشور به توفیقات فراوان و دستاوردهای ارزشمند و تاریخی، مرور بندهای سند گویای ضعف‌ها و کاستی‌های خرد و کلان در عرصه‌های گوناگون مرتبط با آن از ادبیات متن تا افاق‌های تعیین شده و برخی شاخص‌های اعلام شده از یکسایر شاخص‌های اجرایی

در مسیر تحقق آن است که دست‌یابی به چشم‌اندازی تازه را بدون نظر گرفتن این کاستی‌ها ناممکن می‌سازد.

با عنایت به نزدیکی پایان دوره زمانی سند چشم‌انداز پیشرفت ایران در افق ۱۴۰۴ فرصت مغتنمی است تا با محوریت بازخوانی انتقادی متن سند و عملکرد نهادهای

مختلف در چارچوب آن، خوانشی میدافزین از آینده به عنوان دال مرکزی قنتمان پیشرفت و نقطه پیوند دولت‌مردان، سیاستگذاران، نخبگان و جامعه داشت و بر ساخت آینده را به مثابه برجسته‌ترین امر ملی ایران در

دستور کار قرار داد.

